

## در جست‌وجوی هویت

شهرنوش پارس‌پور در طوبا و معنای شب  
به تاریخچه‌ای هفتاد ساله از زندگی زن ایرانی می‌پردازد

دیگری است. پنداشتِ مادر و طبیعت و زن در نظر انسان ابتدایی و گروندگان به درک اسطوره‌ای تاریخ و طبیعت، پنداشتی فلسفی است که به کمک آن فرآیندهای طبیعت معنا پیدا می‌کنند. در درخت انار حیاط طوبا، ۲ دختر که هر دو باردارند و به قتل رسیده‌اند، دفن می‌شوند. سال‌ها بعد از آنکه درخت انار محصول می‌دهد، طوبا انارهای درشت و ترک‌خورده را که دانه‌های روشنی مثل آفتاب دارند، بین مردم به رایگان پخش می‌کند.

عنصر طرح در این رمان با استادی به کار گرفته شده که لاجرم به وضعیت ایستایی داستان ارتباط پیدا می‌کند. شخصیت‌پردازی در این کتاب شیوه ترکیبی مستقیم است که بر شیوه غیرمستقیم غلبه دارد. بهره‌گیری از این شیوه در بیان داستان از دید زاوی کل و نوشتن به سبک رئالیسم جادویی، دایره بزرگی در اختیار نویسنده قرار داده تا اندیشه‌هایش را در قالب رمان بیان کند. کنش‌های طوبا که حاصل تربیت و به تابعیت آن جهان بینی‌اش می‌شود، در مقابل حوادث و جریان‌هایی که نشان‌دهنده معضلات اجتماعی آن دوران است، فضایی تیره به داستان بخشیده است. شخصیت‌های رمان دو دسته‌اند: دسته‌ای که کاملاً بازتابی عادی دارند و دسته‌ای دیگر شخصیت‌های اسطوره‌ای و خیالی. شخصیت طوبا به صورت غیرمستقیم از طریق کنش، گفتار و وضعیت ظاهری

رمان هم طوبا با زنانی دیگر در حیاط خانه در حال گفت‌وگو است. داستان رمان از این قرار است: طوبا دختر مردی به نام ادیب است که برخلاف سایر زنان به سواد و ادب علاقه دارد. بعد از مرگ پدر به پسرعموی پیری که خواستگار مادر بوده، پیشنهاد ازدواج می‌دهد و این‌گونه زندگی‌اش آغاز می‌شود: دختری نوجوان در اواخر قرن نوزده و پیرزنی نالان در قرن بیست.

هدف داستان، بررسی تاریخ ایران و طرز فکر افراد و چگونگی تحولات و شخصیت آنها در اواخر زمان قاجار تا اوایل پهلوی است. در این رمان، پارس‌پور از منظری که می‌توان آن را فلسفی یا اساطیری دانست، به وجود زن و دیدگاهش به امور می‌پردازد. شخصیت اصلی زن که داستان حول محور او می‌چرخد، «طوبا» است؛ طوبایی که از زنان دیگر متمایز است و در پی کشف خویشستن وارد راه سلوک و طریقت می‌شود. او مادر است. مادر اساطیری و گویی خود طبیعت است که مادر همه چیز است. او می‌پندارد که طبع زن همانند زمین است و در انتظار دانه و باروری. طوبا در عمر هفتاد ساله‌اش در راه سیروسلوک خود مقام‌های گوناگونی را طی می‌کند. او در ابتدای طریقت خود از وجود مرشدی کمک می‌گیرد و در این راه قدم می‌گذارد.

در این رمان، پنداشتِ اسطوره‌ای میان زن و مادر و طبیعت وحدتی پایدار است که به‌واقع تصور یکی از آن دو ملازم

### بهناز برکت منتقد

«شهرنوش پارس‌پور» آثار درخشان بسیاری دارد اما شاید به‌جرات بتوان گفت «طوبا و معنای شب» مهم‌ترین رمان او، و یکی از مهم‌ترین رمان‌های تاریخ ادبیات معاصر فارسی است. پارس‌پور «طوبا و معنای شب» را اواخر دهه ۶۰ به نگارش درآورد. شخصیت «طوبا» بنیادش بر زندگی مادر بزرگ خودش بود، زنی اهل معرفت و کتاب‌خوان. نثر قدرتمند او در این اثر در کنار عواملی دیگر باعث شد بیست‌و‌هزار نسخه در همان زمان به فروش برسد.

پارس‌پور از جمله داستان‌نویسان ایرانی است که در آثار خود به شیوه‌ای گوناگون در پی بیان حقوق از دست‌رفته زنان است. رمان «طوبا و معنای شب» به تاریخچه‌ای تقریباً هفتاد ساله از زندگی زن ایرانی می‌پردازد که از زمان مظفرالدین‌شاه قاجار و قیام مشروطیت تا حکومت محمدرضا پهلوی را دربرمی‌گیرد. این دوران، دوران آستانه‌ای از وضعیت اجتماعی زنان است؛ چراکه پس از انقلاب مشروطه به تدریج پای زنان به عرصه‌های اجتماعی باز شد. در این رمان روایت از خانه‌ای که طوبا مالکش است شروع شده و در همین خانه هم به پایان می‌رسد. در صحنه‌های آغازین و پایان

### سگ و زمستان بلند



این کتاب داستان روایت دختر جوانی است به نام حوری که همچون شاهدی خاموش به زندگی خانواده خود و اهالی محله می‌نگرد و بی‌قراری‌های خویش را در وضعیت غیرانسانی توصیف می‌کند. به طور کلی رمان، بررسی وضعیت زن در جامعه مردسالار ایرانی را در دستور کار دارد. این بررسی از خلال روایت «حوری» فرزند کوچک خانواده محمدی انجام می‌شود. حوری، یک دختر بچه دبیرستانی است. دنیایی که برای حوری تعریف شده، محدود به نگاه جامعه مردسالار است.

### عقل آبی



«عقل آبی» پاسخ شهرنوش پارس‌پور است به «عقل سرخ» شهاب‌الدین سهروردی. در اینجا زن است که می‌اندیشد و جست‌وجو می‌کند. «عقل آبی» عقل زنی است که در جست‌وجوی هماهنگی در دنیای دشمنانه‌ای است که انسان در آن نمی‌تواند مفهومی جز زن و مرد، هر دو، داشته باشد. زن شوریده «عقل آبی» می‌گوید: «گریه می‌کردم. اندوه داشت مرا می‌کشت. دائماً در خودم منقبض می‌شدم، هی در خودم گرد می‌آمدم...»

### آویزه‌های بلور



این کتاب مجموعه دوازده داستان کوتاه است: بهار آبی کاتماندو، همزاد، همکاران، آویزه‌های بلور، یک جای خوب، کشتار گوسفندها، گرما در سال صفر، سارا، آقایان، در چگونگی تحول یک خانواده، زندگی خوب جنوبی، و باران. داستان‌ها به صورت خاطره‌وار از سوی نویسنده بیان می‌شوند و پایان‌های متفاوتی را رقم می‌زنند.

